

نگاهی گذرا به زندگی ابن تیمیه

نگاهی گذرا به زندگی ابن تیمیه

احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن تیمیه حرّانی حنبلی، وی در سال 661 هـ. ق در حرّان متولد و در سال 728 هـ. ق در زندان دمشق وفات یافت. وی زندگی پرفراز و نشیبی داشته، که در این مقاله به زندگی نامه و نظرات خاص وی پرداخته می شود.

مقدمه

احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن تیمیه حرّانی^[1] حنبلی، وی در سال 661 هـ. ق در حرّان^[2] متولد و در سال 728 هـ. ق در زندان دمشق وفات یافت.^[3] وی زندگی پرفراز و نشیبی داشته، در کودکی به همراه پدر خود از ترس حمله مغول به شام رفته و پس از وفات پدرش کرسی درس پدر را عهده دار شد و چند مرتبه بین شام و مصر مسافرت نمود، و مکرر به زندان افتاد و چند مرتبه بر اثر فتواهایی که برخلاف مذاهب اسلامی می داد وادار به توبه شد. نظرات علما و نویسندگان درباره ابن تیمیه بسیار متفاوت است، برخی از او فراوان تجلیل کرده و او را بر همه امامان مذاهب چهارگانه اهل سنت ترجیح داده اند و عده ای نیز صریحاً نسبت کفر و ضلالت و بدعت به او داده اند. برخی از این دیدگاهها را در اینجا ذکر می کنیم:

نظرات موافقان او

1. ابن تیمیه، شیخ الاسلام و یگانه دوران و امام و علامه، فقیه و مفسر بوده است.^[4]
2. ابن تیمیه در زمان خود آگاه ترین شخص به علوم دین بود، هیچ حدیثی نبود، مگر آنکه مدرک و رجال سند آن را به خوبی می شناخت.^[5]
3. ابوالفرج عبدالرحمان بن احمد بغدادی حنبلی گوید: بین رکن و مقام سوگند می خورم که همانند او ندیده ام، و 20 صفحه در مدح او نوشته و می گوید: "وی در حدیث چنان قوی بود که می توان گفت هر حدیثی که ابن تیمیه آن را شناسد حدیث نخواهد بود".^[6]
4. ابن کثیر دمشقی - که معاصر ابن تیمیه است - او را از بزرگ ترین علما دانسته به طوری که در تاریخ خود از سال ولادت تا وفات ابن تیمیه در ابتدای بیان وقایع هر سال، کارهای ابن تیمیه را توضیح می دهد.^[7]
5. "بن باز" درباره او گوید: "... و من أجل هذا كلّ اتفق ائمة ذلك العصر علی تسميته بشيخ الاسلام و اثنوا عليه بأنّه شيخ الاسلام و بحر العلوم و ترجمان القرآن و أوجد المجتهدين و نحو هذه الالفاظ"^[8]؛ یعنی: و به جهت آنچه گفته شد بزرگان آن زمان بالاتفاق او را شیخ الاسلام نامیدند و با لقب "شیخ الاسلام" و "بحر العلوم" و "ترجمان القرآن" و "یگانه مجتهدین" او را ستودند.

"بن باز" چون چشم نداشت کلمات مخالفان ابن تیمیه را ندیده، لذا می گوید "بزرگان آن زمان بالاتفاق او را شیخ الاسلام نامیدند".

6. در روز اول و دوم ربیع الثانی 1408 هـ. ق در دانشگاه سلفی بنارس هندوستان کنگره ای در بزرگداشت ابن تیمیه برگزار گردید که در آن حدود 50 مقاله در معرفی و تمجید از ابن تیمیه ارائه و در مجموعه ای به نام "بحوث الندوة العالیة عن شیخ الاسلام ابن تیمیه و اعماله الخالدة" چاپ

شد، لازم به ذکر است که مقاله "ابن تیمیه" در دائرة المعارف بزرگ اسلامی^[9] نیز صیغه دفاع از ابن تیمیه دارد.

نظرات مخالفان او

عده زیادی از فقها و قضات مذاهب چهارگانه اهل سنت به جهت عقاید و افکار ابن تیمیه حکم به ضلالت و بدعت گزاری و حتی حکم به کفر او نموده اند.

1. هیجده نفر از قضات اهل سنت حکم کرده اند که: چون ابن تیمیه تنقیص انبیا (علیهم السلام) نموده کافر شده است.^[10] و شوکانی در "البدر الطالع" گوید:

نه تنها محمد بخاری (متوفی 841) - که از علمای حنفی بود - حکم به تکفیر ابن تیمیه نمود، بلکه معتقد بود هرکس ابن تیمیه را شیخ الاسلام بداند نیز کافر است.^[11]

شیخ مصطفی ابوسیف حمامی در کتاب "غوث العباد بیان الرشاد" حکم به کفر ابن تیمیه نموده است و عده ای از علمای اهل سنت نیز بر این کتاب تقریط نوشته و این حکم به کفر را تأیید کرده اند که نام آنها عبارت است از:

شیخ محمدسعید عرفی، شیخ یوسف دجوی، شیخ محمود ابودقیقه، شیخ محمد بحیری، شیخ محمد عبدالفتاح عناتی، شیخ حبیب الله جکنتی شنقیطی، شیخ دسوقی عبدالله عربی، شیخ محمد حنفی بلال.^[12]

2. قضات مذاهب اربعه فتوای به زندان شدن ابن تیمیه دادند.^[13] و بسیاری از علماء و فقها و محدثان و صالحان از فتواها و نظرات شاذ و تک روی های ابن تیمیه ناراحت بوده و برخی از قضات عادل از حنبلیان به همین جهت او را از فتوا دادن بازداشتند.^[14]

3. ابن تیمیه علمش بیش از عقلش بوده است.^[15] و چون مردم او را به جهت پدرش احترام می کردند او فریب این احترام ها و تکریم ها را خورد و غرور پیدا کرد و شروع کرد به سخنان ناباب.^[16]

4. وی در حدود شصت مسأله برخلاف اجماع نظر داده که برخی از آنها مربوط به اصول دین و برخی مربوط به فروع دین است، و پس از انعقاد اجماع در این مسائل، وی خرق اجماع نموده است.^[17]

5. سلیمان بن صالح خراشی که خود از شیفتگان ابن تیمیه است از مؤلف "الحاوی فی سیرة الطحاوی" نقل کرده است که: تمام اختلافات مسلمانان معلول کارهای ابن تیمیه است.^[18]

6. علاءالدین بخاری (احمد بن محمد بن محمد بخاری که از فقهای بزرگ حنبلیان بوده است)^[19] و نیز ملاجلال الدین دوانی ابن تیمیه را جزء «مجسمه» دانسته اند.^[20]

7. تقی الدین علی بن عبدالکافی سبکی - که معاصر ابن تیمیه بود - از مهم ترین دشمنان او بود و چندین کتاب در نقد افکار ابن تیمیه تألیف کرد و معتقد بود که ابن تیمیه قائل به تجسیم خداوند متعال است.^[21]

گرچه سبکی از علمای اهل سنت و شافعی مذهب و از مخالفان سرسخت شیعه است - همچنان که از شعری که در هجو شیعه سروده مشخص است -^[22] ولی چون مخالف ابن تیمیه بوده است وهابیان نسبت حسادت به او داده و می گویند "او دلش پر از حسادت بوده است"^[23]، و بلکه این نسبت حسادت را به تمام مخالفان ابن تیمیه داده اند.^[24] گویا هرکس مخالف ابن تیمیه است حسود می باشد و هرکس موافق اوست دارای ارزش ها و فضایل اخلاقی است!!

به هر حال دیدگاه های نویسندگان در مورد ابن تیمیه دارای نوعی افراط و تفریط است به طوری که متأسفانه برخی از شیعیان او را فردی تیزهوش و با استعداد خوانده اند،^[25] و برخی از

علمای اهل سنت او را کودن و کم عقل و فردی هوسران نامیده اند.^[26] روشن است که عقاید ابن تیمیه و فتاوای شاذ و نسبت خطادادن او به پیشینیان در این داوری ها بی تأثیر نبوده است همچنان که تندخویی و خشونت ابن تیمیه در بحث^[27] و توهین نمودن او به مخاطب خود و رعایت نمودن ادب بحث و مناظره^[28] نیز موجب نوعی تنفر علما از اندیشه ها و شخصیت ابن تیمیه شده است. به طوری که برخی به او نسبت کفر داده اند^[29] و برخی در او غلو نموده و از هر امامی او را بالاتر دانسته اند. بهتر آن است که گفته شود: او عالمی بوده که در برخی موارد صحیح گفته است و در برخی موارد دچار اشتباه شده^[30] و این اشتباهات و غرض ورزی ها بسیار زیاد بوده و موجب نسبت تکفیر و قتل عده زیادی از مسلمانان شده است.

برخی از کتاب هایی که در نقد افکار ابن تیمیه نوشته شده است عبارتند از:

1. الدرة المضيئة في الرد على ابن تیمية.
2. شفاء السقام في زیارة خير الانام.
3. نقد الاجتماع والافتراق في مسائل الايمان والطلاق.
4. التحقيق في مسألة التعليق.
5. النظر المحقق في الحلف بالطلاق المعلق.
6. رفع الشقاق على مسألة الطلاق.
7. الاعتبار ببقاء الجنة والنار.
- هفت کتاب فوق از تقی الدین علی بن عبدالکافی سبکی متوفی 756هـ. ق است.
8. منهاج الشريعة في الرد على ابن تیمية، از محمد مهدی کاظمی قزوینی.
9. تفاح الارواح و فتاح الارباح، از کمال الدین محمد بن الحسن رفاعی شافعی.
10. اعتراضات علی ابن تیمیه فی علم الکلام، قاضی القضاة مصر احمد بن ابراهیم حنفی.
11. رسالة في نفی الجهة، احمد بن یحیی معروف به ابن جهل متوفی 733.
12. نجم المهتدی و رجم المعتدی، فخر بن معلم قرشی متوفی 725.
13. رسالة في الرد على ابن تیمیه فی مسألة الطلاق، محمد بن علی مازنی دمشقی متوفی 721هـ. ق
14. رسالة في الرد على ابن تیمیه فی مسألة الزيارة، محمد بن علی مازنی.
15. رسالة في الرد على ابن تیمیه، ابوالقاسم احمد بن محمد شیرازی متوفی 733هـ. ق.
16. بیان زغل العلم والطلب، محمد بن ذهبی متوفی 748هـ. ق.
17. نصيحة الذهبی الی ابن تیمیه، محمد بن ذهبی.
18. غوث العباد ببيان الرشاد، مصطفى ابوسيف حمامی.
19. التحفة المختارة في الرد على منكر الزيارة، عمر بن الیمن مالکی متوفی 734هـ. ق.
20. المقالة المرضية في الرد على من ينكر الزيارة المحمدية، قاضی محمد سعدی مصری متوفی 750.
21. رسالة في مسألة الطلاق، عیسی زواوی مالکی متوفی 743هـ. ق.
22. الابحاث الجلیلة في الرد على ابن تیمیه، احمد بن عثمان ترکمانی حنفی متوفی 744هـ. ق.
23. بیان مشکل الاحادیث الواردة فی انّ الطلاق الثلاث واحدة، ابن رجب حنبلی متوفی 795هـ. ق.
24. دفع شبهه من شبه و تمرّد، فقیه ابوبکر حصنی متوفی 829هـ. ق.
25. الرد على ابن تیمیه فی الاعتقادات، محمد بن احمد فرغانی دمشقی حنفی متوفی 867هـ. ق.

26. الجوهر المنظم فی زیارة القبر المعظم، ابن حجر هیثمی متوفی 974ه. ق.
 27. مقالات الکوثری، محمد زاهد کوثری وکیل دارالخلافة عثمانی متوفی 1371ه. ق.
 28. التعقیب الحثیث لما ینفیه ابن تیمیه من الحدیث، محمد زاهد کوثری.
 29. البحوث الوفیة فی مفردات ابن تیمیه، محمد زاهد کوثری.
 30. الاشفاق علی احکام الطلاق، محمد زاهد کوثری.
 31. نصرۃ الامام السبکی برّد الصارم المنکی، ابراهیم بن عثمان سنهودی مصری.
 32. ابن تیمیه لیس سلفیاً، منصور محمد عویس.
 33. البصائر لمنکرى التوسل باهل القبور، حمدالله براجوی.
- آنچه ذکر شد نام برخی از کتاب هایی است که در خصوص نقد افکار ابن تیمیه تدوین شده است و متأسفانه قریب به اتفاق این کتاب ها به صورت مخطوط در کتابخانه ها باقی مانده و تاکنون چاپ نشده اند.
- حتماً کتاب های دیگری نیز در این موضوع وجود دارد که نویسنده به نام آنها دسترسی نیافته است علاوه بر ده ها کتابی که در ضمن مباحث خود به نقد ابن تیمیه پرداخته اند اما اختصاص به آن ندارند.^[31]

برخی از فتاوای ابن تیمیه

ابن تیمیه فتواهایی دارد که هیچ کدام از فقهای قبل از او معتقد به آن ها نبوده اند و گرچه برخی از این نظرات شاید در واقع صحیح و موافق با مذهب امامیه باشد، اما ابن تیمیه که خود را پیرو صحابه و تابعین می داند نباید به آنها معتقد باشد.

اعتقادات شاذّ ابن تیمیه

1. اعتقاد به چیزی که موجب جسمیت و ترکیب در ذات مقدس الهی می شود.^[32] بحث از تجسیم و توضیح عقیده ابن تیمیه و نظر شیعه در آینده بیان خواهد شد.
2. محال نبودن احتیاج ذات مقدس به اجزا.
3. حدوث قرآن.
4. پذیرفتن قدم حوادث جهان.
5. محل حوادث بودن خدای متعال.
6. خدا به اندازه عرش است نه بزرگ تر و نه کوچک تر.
7. انکار علم بی نهایت خداوند.
8. انکار عصمت انبیا.
9. انکار توسل به انبیا.
10. پذیرفتن قدم حوادث جهان.
11. انکار خلود در عذاب.
12. انکار تحریف در تورات و انجیل.
13. پذیرفتن حسن و قبح عقلی.^[33]

فتاوای ابن تیمیه در فروعات فقهی

14. ابن تیمیه ابتدا معتقد بود که با یک مرتبه اجرای صیغه طلاق، می توان زن را سه طلاقه نمود و می گفت هرکس خلاف این را بگوید کافر است. سپس خودش به خلاف آن معتقد شد و فتوی داد که با سه طلاق در یک صیغه یک طلاق محقق می شود.^[34]
15. قسم به طلاق موجب وقوع طلاق نیست.
16. طواف حائض صحیح است.

17. مایعات با مردن موش در آنها نجس نمی شوند.
18. نمازی که عمداً ترک شود قضا ندارد.
19. جنبی که متمکّن از انجام غسل است می تواند با تیمم نماز مستحبی به جا آورد.
20. در وقف شرط واقف لازم الرعایه نیست.
21. سفر برای زیارت معصیت است.
22. در هر سفری نماز قصر است.
23. آب قلیل با ملاقات نجس، نجس نمی شود.
24. انکار محلّ در باب طلاق.

آنچه ذکر شد تعداد اندکی از متفردات ابن تیمیه بود و برای اطلاع از سایر نظرات او می توان به منابع ذیل رجوع نمود.^[35]

به هرحال ابن تیمیه در حدود شصت مسأله اتفاقی و اجماعی اهل سنت را خرق اجماع کرد^[36]، و فتواهایی داد که برخی از آنها در هیچ دین یا مذهبی از مذاهب اسلامی وجود ندارد^[37]، لذا در شهر دمشق و قاهره اعلام شد که مردم از ضلالت های او برحذر باشید.^[38] و در سال 718هـ. ق او را از فتوا دادن در موضوع طلاق منع نمودند^[39]، ولی چون او رعایت نکرد به جهت همین فتاوی مکرر به زندان افتاد، وی در سال 693 و 696هـ. ق دو بار در شام زندانی شد، و در سال 705هـ. ق در قاهره به زندان رفت. و در 708 در اسکندریه به زندان افتاد و در 718 و 720 و 726 مکرر در دمشق به زندان افتاد تا آنکه سرانجام نیز در زندان مرد. و تمام این زندان ها به جهت فتواهای او بود که برخلاف تمام مذاهب اسلامی بود.^[40] او چون خود را مجتهد می دانست هفده مورد خطا، به حضرت علی (علیه السلام) و چند مورد به ابوبکر و عمر و عثمان نسبت داد.^[41]

اشاره ای به برخی از دروغ های ابن تیمیه

1. یکی از مهم ترین کتاب های ابن تیمیه "منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدریة" است. در اینجا چند نکته جای تأمل دارد:

اولاً: ابن تیمیه که طرفدار سنت نبوی است چگونه تا آخر عمر مجرد بود و ازدواج ننمود، مگر ازدواج از سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نیست؟!

ثانیاً: اسم این کتاب آن گونه که روی جلد با تحقیق دکتر محمد رشاء سالم و با مقدمه دکتر عبدالله بن عبدالمحسن ترکی رئیس دانشگاه محمد بن سعود عربستان آمده، (کتاب از سوی این دانشگاه چاپ شده است) این گونه است: «منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدریة». در حالی که همه می دانند: شعار شیعه آن است که «القدریة مجوس هذه الامة» و همیشه شیعه اعلام کرده است که «لاجبر و لاتفویض بل امر بین الامرین». چگونه ابن تیمیه و مصحح و مقدمه نویس کتاب مرتکب چنین تهمت و دروغ فاحشی شده اند؟!

ثالثاً: بهترین شاهد بر عناد داشتن مصحح و مقدمه نویس کتاب آن است که در چند جای کتاب «قدریة» عطف بر شیعه شده است. بنابراین «قدریة» غیر از شیعه می باشد از باب نمونه: الف) .. فی نقض کلام الشیعة والقدریة".^[42]

ب) در جای دیگر نام کتاب این گونه آمده است "منهاج الاعتدال فی نقض کلام اهل الرافض و الاعتزال".^[43]

رابعاً: آنچه موجب سلب اعتماد از تمام کارهای تحقیقی دانشگاه های عربستان می شود آن است که تصویر نسخه خطی که در صفحه 27 جلد اول کتاب آمده است این گونه است: "الشیعة والقدریة"، ولی مصحح نسخه در ص 18 جلد اول که عبارت نسخه را آورده است

[illegible]